

# سرمایه انسانی

## ۱. در ابتدا بفرمایید روند فعلی سربازی چگونه است و آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ان شاء الله خداوند توفیق بدهد آنچه رضای خودش است بیان شود. سربازی تاریخی دارد؛ این تاریخ به دولت مدرن برمی‌گردد. طبق تحقیقاتی که انجام شده است، اولین مرتبه‌ای که بحث سربازی اجباری مطرح شد در قرن هجدهم و عصر ناپلئون بود که برای تأمین سازمان‌های نظامی، به نیروی رایگان نیاز داشتند. این بحث به دولت مدرن و عصر مدرن و نیازهایی که این دولت در عصر مدرن برای استفاده از نیروی رایگان دارد، مربوط می‌شود. بنظر من روی این نکته باید دقت کرد.

این قانون در کشورهای مختلفی پیاده شد؛ از جمله کشور آمریکا که برای اولین بار قانون سربازی اجباری در زمان آبراهام لینکلن در سال ۱۸۶۲ پیاده شد؛ منتها در آمریکا با چالش‌های بسیار زیادی مواجه شد که اصلاح کردند؛ مثلاً عده‌ای می‌توانستند سربازی را بخرند؛ به این معنا که اگر فردی پول داشت می‌توانست فرد دیگری را به جای خودش بفرستد. این قانون تحت عنوان "جنگ اغنیا و جنگیدن فقرا" مورد اعتراض قرار گرفت و نهایتاً اصلاح شد. همین قانون در دهه ۸۰ در ایران انجام شد که شخصی سربازی را می‌خرد که کاملاً بر خلاف عدالت اجتماعی بود. مگر اینگونه نیست که منشأ سربازی در دنیای مدرن بوده است؛ اگرچه که خیلی از آنها هم با مشکل روبه‌رو شدند و اصلاحش کردند، اما اصل آن از آنجا آمده است. این فرهنگ اصالتاً از تفکر استعمارگونه و کشورگشایانه غربی‌ها نشأت گرفته است که برای مطامع استعماری خود، به نیروی ارزان و رایگان نیاز داشتند. پس سرچشمه این فرهنگ از تفکر استعماری غرب، آب می‌خورد؛ لذا باید ما به آن ظنین باشیم. نمی‌توان به آن با حسن نیت نگاه کرد. این فرهنگ مبتنی بر اندیشه و رویکرد قدرت است. این اندیشه می‌گوید: «اگر می‌خواهی قدرت داشته باشی باید نیروی انسانی در اختیار داشته باشی. نیروی انسانی‌ای که می‌توان از آن به منزله شیء و ابزار استفاده کرد. نیرویی که لازم نیست فکر کند و برنامه بریزد؛ بلکه تو فکر کن و برنامه بریز و او فقط عمل کند». پس درست است خدمت در نیروهای مسلح مقدس است، اما اصل سربازی، مقدس نیست و اصالتاً برای استعمار و کشورگشایی بوده است و به اصطلاح ریشه سوپژکتیویه دارد که انسان‌ها را شیء می‌بیند.

در ایران هم از زمان امیرکبیر قانون سربازی اجباری وجود داشته است که بر خلاف تصویری است که می‌گویند سربازی از زمان رضاخان بوده است. امیرکبیر برای سازماندهی ارتش مدرن خود، به عنوان مالیات، فرزندان روستاییان را به سربازی می‌گرفت؛ بعد در زمان رضاخان به عنوان قانون در آمد. در سال ۱۳۰۳ به مجلس رفت و در ۱۳۰۴ قانون شد.

پس اصل این فرهنگ، فرهنگ درستی نیست. حالا من سؤال می‌پرسم که مبنای انقلاب و نظام جمهوری اسلامی چیست؟ مقام معظم رهبری (مدظله العالی) سه رکن اصلی انقلاب اسلامی یعنی توحید، کرامت انسانی، و عدالت اجتماعی می‌دانند. بعد هم بیان می‌فرمایند: «ما باید همه عقب‌ماندگی‌های خود را در این سه رکن، عقب‌ماندگی بدانیم.» و ادامه می‌دهند: «هرچه شخصیت و رفتار ما مسؤولان از رفتار توحیدی فاصله بگیرد و احترام ما به زندگی، شخصیت، هویت و عزت مردم کاهش پیدا کند و به هر مقدار که شکاف‌های طبقاتی علاج نشود و عدالت اجتماعی به معنای حقیقی در کشور دنبال نگردد، این عقب‌ماندگی است. باید همه تلاش ما این باشد که عقب‌ماندگی‌ها را جبران کنیم؛ فضای جامعه هم باید این‌چنین باشد. این‌که گاهی به بعضی کسان - مسؤولان و دیگران - هشدار می‌دهم، به خاطر همین نقطه نظر است.» سه رکن و سه جهت‌گیری اصلی جمهوری اسلامی جز فرمایشات صریح معظم‌له است. حالا سوال بنده آن است که آیا فرهنگ موجود سربازی با این مبانی سازگار است؟ کرامت انسانی یعنی چه؟ «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» یعنی چه؟ یعنی انسان‌ها باید با عزت، توانایی و هویت خودشان در جامعه زندگی و فعالیت کنند. آیا نظام فعلی سربازی این کرامت انسانی را حفظ می‌کند و بالا می‌برد یا به زمین می‌زند؟ سه میلیون فراری نشان می‌دهد که جوانان احساس حفظ کرامت نمی‌کنند. ضمن اینکه جای این سوال است که هر سال از میان مشمولان چند درصد غایب و به اصطلاح سرباز فراری هستند که بعداً در زندگی روزمره خود و معاملات و سفرها و امثال آن به مشکل برخورد می‌کنند؟ یک نکته مهم اینکه کرامت انسانی باید خود را در قانون و اجرا نشان دهد، یعنی قانونی که کرامت انسانی را زیر سوال ببرد و به تعبیر حضرت آقا موجب عقب‌ماندگی از کرامت انسانی شود، قانون مشروعی نیست. یا مسئولی که کرامت انسانی جامعه هدف خود را زیر پا بگذارد، مشروعیت ندارد یا حداقل بگوییم که از باید به آنان هشدار داد که شما موجب عقب‌ماندگی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی شده‌اید.

حالا سوال این است که نظام فعلی سربازی که به سربازی وظیفه و اجباری معروف است، با این رکن اصلی و اساسی جمهوری اسلامی سازگار است؟ یک وقت هم بنا شد کسانی که می‌توانند سربازی را بخرند، سربازی را می‌خریدند و اینگونه از خدمت سربازی معاف می‌شوند و نیروی مسلح هم به جای اینکه از خدمات رایگان آنها استفاده کند، پول آن را می‌گیرد و در جای دیگری خرج می‌کند. اما این طرح هم شکست خورد و واقعاً هم با عدالت اجتماعی سازگار نبود و اخیراً هم برخی خواستند آن را احیا کنند، با مخالفت مواجه شد که از جمله متولی اصلی سربازی و نیروهای وظیفه یعنی ستاد کل نیروهای مسلح با آن مخالفت کردند. بله چند سالی آن را تجربه کردیم که دیدیم واقعاً خیلی چیز بدی است و الان طرفدار جدی ندارد.

اما سوال بعدی بنده آن است که سربازی در زمان شاه با زمان ما چه تفاوت اساسی کرده و چگونه اصلاح شده است؟ بعد از انقلاب تلاش شد قانون سربازی اصلاح شود و اصلاح‌های متعددی هم انجام شد. اما اشکال

اصلی باقی است و آن سربازی اجباری است. و به نظر می‌رسد اشکالات بسیار جدی بر سربازی اجباری وارد است.

یک مطلب خدمت شما عرض کنم، بنده مخالف نظام وظیفه و سربازی نیستم، بلکه دفاع از کشور را واجب و تکلیف شرعی و ملی می‌دانم، اما با نظام فعلی یعنی سربازی اجباری زاویه دارم، و معتقدم که نظام سربازی باید اصلاح جدی شود که از آن به سربازی اختیاری - هوشمند تعبیر می‌کنم که شرط کافی - نه شرط لازم - آن است که به سربازان حقوق و مزایا و بیمه و سنوات طبق نیروهای مشابه داده شود، یعنی یک سرباز حقوق واقعی بگیرد. و باز تأکید می‌کنم این شرط کافی است برای اصلاح نه شرط لازم. شرایط دیگری چون بکارگیری نیروهای متخصص در صرفاً در تخصص خود و امثال آن هم از شرایط مهم آن است.

فکر کنم توانسته باشم که پاسخ سوال شما را بدهم. اما برای تمیم فایده اجازه می‌خواهم برخی از تدابیر مقام معظم رهبری (حفظه الله) را برای شما بیان کنم؛ برخی نگویند که معظم‌له با نظام فعلی سربازی موافق هستند. اما حضرت آقا شروطی گذاشتند، باید بنیم فاصله نظام فعلی با تدابیر معظم‌له چقدر است و کدام‌یک از این تدابیر اجرا شده است.

یک نکته از حضرت امام عرض کنم که حضرت امام صریحاً سربازی اجباری را که در دوره شاه بوده است، رد می‌کنند و می‌فرمایند: در جمهوری اسلامی سربازی یک وظیفه و امر و تکلیف الهی است. و شرط آن را ساختن جوانان می‌دانند. با این مقدمه برخی از بیانات رهبری حکیم را عرض می‌کنم:

(۱) ایشان در تاریخ ۱۳۸۳/۳/۱۷ می‌فرمایند: «از مسائل مهم در این باره آموزش‌های مفید به سربازان، به کارگیری در کارهای متناسب با تحصیلات و قابلیت‌ها، برنامه‌ریزی برای تربیت دینی و اخلاقی است. باید به کسی که در حال گذراندن خدمت وظیفه عمومی است احساس تضييع وقت و عمر دست ندهد». ایشان سه تدبیر در این بند سخنان فرموده‌اند: اول: آموزش‌های مفید به سربازان. دوم: به کارگیری در کارهای متناسب با تحصیلات و قابلیت‌ها. خب این الان هست؟ فکر نکنم جواب - بجز در مشمولات پزشکی خیلی مثبت باشد. و سوم: برنامه‌ریزی برای تربیت دینی و اخلاقی. جوان ما که به سربازی می‌رود، تقیدات دینی‌اش بیشتر می‌شود یا نه؟ باید بپرسم که این تدابیر چقدر عملیاتی شده است؟ آیا نظام وظیفه در این جهات اصلاح شد؟

(۲) در ۱۰ سال بعد یعنی ۱۳۹۳/۹/۱۳ می‌فرمایند: «وضع سربازها خوب نیست» تعبیر را دقیق می‌فرمایید! «هم از لحاظ گماشتن آن‌ها به کارهایی که وظیفه آن‌ها نیست» این اشکال اول و اشکال مهمی است. «سربازان امروز باسواد هستند، [در بین آنها] لیسانس و بالاتر کم نیستند، خیلی‌ها تخصص دارند. خیلی باید روی این کار شود، اگر درست به کار گرفته شوند معلوم نیست این همه فراری داشته باشیم». الان ۳ میلیون فراری داریم. خیلی از آنها تخصص دارند؛ مثلاً تحصیلات تکمیلی در رشته‌های مختلف علوم انسانی یا

مهندسی چون مهندس عمران، مهندس کامپیوتر یا فارغ التحصیلان پزشکی که معمولاً پزشکان در کار خودشان گماشته می‌شوند اما در بقیه، خیلی کم اینگونه هستند. البته از حق نگذریم؛ تلاش شده که با بحث‌هایی چون امریه و نخبگان تحولاتی انجام شده است، اما کافی نیست و نیاز به کار کارشناسی بیشتری است.

۳) ایشان در ۹۱/۸/۸ فرموده‌اند: «مراقبت بیشتری در به کارگیری کیفی‌تر مضمولین خاص به لحاظ کاهش کمیت و نظارت دقیق‌تر بر عملکرد بشود».

۴) در جای دیگر می‌فرمایند: «در نیروی انسانی با استفاده از مضمولین جوان و کارآمد، نوآوری را ترویج دهید».

۵) در یکی دیگر از بیاناتشان فرموده‌اند: «زمینه سازی کنید؛ به ویژه در بخش‌هایی که نیازهای دفاعی را برطرف کند».

وقتی ما می‌گوییم نیاز به اصلاح است، همه این موارد را در نظر داریم. و این اصلاح هم باید انقلابی باشد، نه فقط اصلاحات فرمی و شکلی. زیرا به نظر می‌رسد روند فعلی سربازی که الگوی مداخله‌گر در سرمایه‌انسانی است، باید تحول پیدا کند. البته بنده در جریان هستم که ستاد کل دنبال اصلاح است و خود آنان هم دغدغه دارند، این‌گونه نیست که آنان به این مسائل بی‌توجه باشند، اما باز تأکید می‌کنم که ما نیازمند اصلاحات انقلابی هستیم.

یکی از رویکردهایی که معمولاً مسئولین نظامی به وسیله آن از سربازی دفاع می‌کنند، اصطلاحاً رویکرد سیاسی-امنیتی است. می‌گویند: «قبول داریم که سربازی مشکل دارد اما باید آن را با برخی اصلاحات حفظ کنیم؛ چون علی‌رغم اینکه سربازی، هزینه‌هایی را بر نیروهای مسلح تحمیل می‌کند اما فایده زیادی دارد. از خدمات جوانان در نیروی مسلح استفاده می‌شود؛ مهم‌ترین آنها در بخش نظامی و امنیتی است که نشان می‌دهیم کشور مقتدری هستیم و نیروهای مسلح زیادی داریم». هم‌چنین تأکید می‌کنند که برای حفاظت از مرزها نیازمند نیروهای جوان و پرتوان هستیم.

خیلی خوب. اولاً باید دقیق بررسی کنیم که هزینه‌ها، فایده‌ها و نتیجه مطلوب تا چه حدی تأمین شده است. ثانیاً واقعیت این است که اقتدارمان را در دفاع مقدس و دفاع از حرم اهل بیت (علیهم‌السلام) اثبات کردیم. اقتدار کشور بر روی شانه بسیج یعنی نیروهای داوطلب مردمی است. گذشته برنامه‌های سخت افزاری و دانش‌بنیادی که در نیروهای مسلح داریم، جز نیروهای نظامی رسمی؛ ما باید دنبال الگویی باشیم که بتوانیم از نیروهای مردمی استفاده کنیم و بسیج الگوی خوب و موقّعی است؛ چرا از این الگو برای سربازی استفاده نمی‌کنیم؟ امام (رضوان الله تعالی علیه) یک الگوی بسیار خوب برای ما به ودیعه گذاشتند. این الگوی موقّع را بهینه و سازماندهی کنیم و در سربازی استفاده کنیم. الگوی بسیج، پایه تفکر دینی دارد و در همه امور.

کشور اعم از امنیتی و سازندگی و مقاومت فایده داشته است، گذشته از آن که هزینه آن بسیار کم‌تر از نظام فعلی سربازی است که برآمده از تفکر غربی و دنیای مدرن با نگاه استعماری آن است. پس ما نیاز داریم که مسیر جدیدی پیدا کنیم تا جوانان ما با طیب خاطر به خدمت سربازی بیایند.

## ۲. به نظر شما تأثیر سربازی در روند اشتغال، ازدواج و فرزندآوری به چه میزان است؟

سربازی یعنی فرد باید دو سال به صورت رایگان یا حداقل حقوق در خدمت نیروهای مسلح باشد؛ البته حقوق نیروهای وظیفه اصلاحاتی داشته است و الان نسبت به گذشته اصلاح شده است، اما بنظر می‌رسد که دولت و سازمان برنامه و بودجه در این جهت خیلی با نیروهای مسلح همکاری نمی‌کنند. اما این خدمت که با حداقل حقوق است، به صورت طبیعی جوان ما را دو سال از رقابت شدیدی که در تأمین شغل وجود دارد، عقب می‌اندازد. ببینید، اگر جوان ما در ۱۸ سالگی به سربازی می‌رفت، یک بحث بود، اما جوانی که لیسانس یا کارشناسی ارشد یا بالاتر دارد، سنش حداقل تا ۳۰ سال است. دو سال هم سربازی. دیگر استخدام و کارپیدا کردن برای او نسبت به کسی که در سن ۲۴ سالگی به دنبال شغل می‌رود، خیلی سخت‌تر می‌شود. به‌ویژه که خانم‌های ما هم تحصیلات عالی دارند و بدون مانع سربازی می‌روند و مشاغل را اشغال می‌کنند و عملاً جوان ما در یک رقابت نابرابر قرار می‌گیرد. وقتی شغل مناسب نداشته باشد طبعاً در ازدواجش هم تأخیر می‌افتد و تأخیر در ازدواج باعث تأخیر در فرزندآوری نیز می‌شود. پروسه معیوبی تعریف شده است که موجب آسیب‌های بسیار جدی اجتماعی خواهد شد. در این پروسه، جوانی که به سربازی می‌رود از حضور در عرصه‌های کار و سازندگی در کشور، در زمان اوج فعالیتش محروم خواهد شد. اگر در دوران سربازی، آموزش‌های تخصصی بود، و نیروها در رشته خود به کار گرفته شوند تا علم آنان با آموزش و تجربه به شکوفایی برسد، بحث فرق می‌کرد. اما در زمین و واقعیت چنین نیست. اتفاقاً یکی از تدابیر رهبری حکیم ما آن است که «نیاز نیروهای مسلح را مشخص کنند، چقدر است؟ رعایت نیاز آن‌ها بادقت مورد توجه باشد... اگر سازمانی کم‌تر به مشمول نیاز دارد، ستاد کل بررسی کند، سیاست معلوم باشد، نه سهمیه بدهند ولی کم‌تر بگیرند.» این فرمایش ۲۶ فروردین ۱۳۸۸ است. البته این امر هم راه کار دارد.

## ۳. همواره علم و توسعه آن از دغدغه‌های اصلی رهبر معظم انقلاب بوده است. آیا روند فعلی سربازی مانع فعالیت‌های علمی است؟ این مانعیت برای افراد پشت کنکور مانده یا افرادی که در مؤسسات و شرکت‌های دانش‌بنیان به تولید کمک می‌کنند، به چه میزان است؟

من معتقدم باید سربازی را به صورت جامع ببینیم؛ یعنی می‌خواهم این سوال را کمی تغییر بدهم. سربازی را باید جامع دید. کسانی که موافق سربازی هستند استدلالی دارند که می‌گویند: «سربازی امری است که به

جهات فرهنگی و امنیتی و سیاسی کشور کمک می‌کند. با توجه به گستره جغرافیایی-سیاسی کشور این نیروها یک عامل بازدارنده هستند که دشمن نتواند فکر تعرض به کشور را بکند؛ یعنی مایه اقتدار کشور هستند». در مقابل این تفکر، برخی از جهت اقتصادی به قضیه نگاه می‌کنند و به دنبال چالش‌های آن هستند. برخی هم چالش‌های اجتماعی-فرهنگی آن را می‌بینند. عرض من این است که وقتی به سربازی به عنوان یک نهاد و یک پروسه‌ای که کشور را در بر گرفته است نگاه می‌کنیم، این پروسه باعث اقتدار نظامی و اقتدار دفاعی کشور است، اما با شرایط خاص خودش؛ چون این که سربازی با میل و رغبت انجام شود و هوشمند باشد.

اکثر کسانی که وارد پروسه سربازی می‌شوند با یک اجبار وارد می‌شوند؛ یعنی آن را وظیفه خودشان نمی‌بینند. پس نمی‌توانید توقعی که از یک داوطلب بسیجی در دفاع از کشور دارید از او داشته باشید. از سوی دیگر همان چالشی که در سؤال آمده پیش می‌آید. فرد می‌خواهد ادامه تحصیل بدهد اما با توجه به فرایند کنکور که یک فرایند سخت برای ورود به دانشگاه‌های تراز اول است، وقتی این سد را هم جلوی او می‌گذارید خیلی عقب می‌افتد؛ شما هم بهتر می‌دانید که بهترین سن برای سربازی در اوج جوانی یعنی ۱۸ تا مثلاً ۲۴ سال است. فرض کنید کسی بخواهد پس از دیپلم یا هر مقطع تحصیلی دیگری به سربازی برود اما بعد از دیپلم دیگر معلوم نیست که بتواند در دانشگاه مناسبی ادامه تحصیل بدهد. این فاصله‌ای که در تحصیل او پیش می‌آید، و شاید اجازه ندهد که ادامه تحصیل بدهد.

من معتقدم که می‌توانیم سربازی را به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنیم، مانع نباشد، بلکه باعث پیشرفت جوان ما باشد تا هم خودش و هم خانواده و هم اجتماع وی را به آن تشویق کنند. اما الان حداقل درصدی - به‌طور غیررسمی شنیده‌ام، ۳۰ درصد از مشمولان، به خدمت نمی‌روند و به اصطلاح سرباز فراری محسوب می‌شوند و در مسیر آینده زندگی خود دچار نقصان و مشکلات عدیده می‌گردند. این یعنی مانع و ایجاد مشکل برای وی و خانواده او و به چالش کشیدن کرامت انسانی افراد متعددی در جامعه.

#### **۴. آیا رویکرد فعلی سربازی فقط امنیتی نیست؟ آیا تبعات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی آن مورد**

#### **توجه قرار گرفته است؟ مضرات و آسیب‌های سربازی از فواید آن بیشتر نیست؟**

از سالهای دور، به مراکز نظامی و پادگانها زیاد می‌رفتم. هر زمان که می‌رفتم، به فرآیند سربازی، برخورد فرماندهان با سربازان و اینطور مسائل نگاه می‌کرد. به نظرم این فرایند معیوب است. عرض کردم که این مدل سربازی، مقتضای دولت مدرن است. این فرایند کاملاً ناقص است. همان صحبتی که از مقام معظم رهبری (مدظله العالی) نقل کردم را یکبار دیگر می‌خوانم، دقت کنید. ایشان فرمودند: «وضع سربازها از لحاظ گماشتن آنها به کارهایی که وظیفه آنها نیست، خوب نیست؛ سربازان امروز باسواد هستند، [در بین آنها]

لیسانس و بالاتر کم نیستند، خیلی‌ها تخصص دارند. خیلی باید روی این کار شود». مسئولین آماری ارائه بدهند که کدام یک از این سربازها در تخصص خود به کار گرفته می‌شوند؟ بنده، خودم اینها را دیده‌ام. در همین لواسان برای شما مثال بزنم؛ یک شخصی فوق لیسانس کشاورزی داشت که جزء دانشجویان نخبه دانشگاه تهران بود اما اینجا راننده بود. من می‌خندیدم و به مسئول او می‌گفتم: «می‌دانید این آدم اگر در همین دو سال در لواسان در کشاورزی، باغداری، دامپروری و پرورش عسل به کشاورزان کمک کند، چقدر از مشکلات کشاورزان ما حل می‌شود؟ اما شما از او به عنوان راننده استفاده می‌کنید». اما اگر او نگاه می‌کند که رانندگی بهتر از آن است که او را نگهبان بگمارند.

من افراد زیادی را می‌شناسم که تخصص دارند؛ مثلاً مهندس عمران یا مهندس کامپیوتر هستند اما در مراکز کار خودشان نگهبانی می‌دهند. به جایی رفتم که همه آنها فوق لیسانس و دکتری داشتند اما در آنجا بیکار بودند و هیچ کدام بر اساس تخصص خود به کار گرفته نشده بودند؛ مثلاً یکی از آنها جامعه شناس بود که می‌توانست در حیطه تخصصش بسیار کمک کند. سندهایی که نوشته می‌شود نیاز به ویرایش دارد اما فوق لیسانس ادبیات که به آنجا می‌رود، زمین را جارو می‌کند. به یکی از آنها گفتم تا به حال برای ویرایش اسناد به شما مراجعه کرده‌اند. گفت: «تا الان یک بار هم نشده است به من چیزی بگویند و مراجعه کنند». چقدر سربازها در تخصص و تحصیلات خود به کار گرفته می‌شود؟ به بحث امریه است که آن را هم خیلی آشنا نیستم با بحث نخبگان که رو به جلو است، اما مشکل می‌دانید کجاست؟ چون سربازی تقریباً رایگان است که البته اخیراً مجلس اصلاحاتی کرده است. وقتی نیروی رایگان، در اختیار نیروی مسلح قرار داده‌ایم و نیروی مسلح هم برای استفاده از او انگیزه‌ای ندارد و او را برای کارهایی می‌گذارد که شأن کادر رسمی نمی‌داند. مثلاً یک مورد دیگر این بود که می‌دیدم به یک آدم با مدرک دکتری یا فوق لیسانس می‌گفتند: «غذای من را داغ کن». خود سرباز هم سهمیه غذا ندارد و پس از ساعت اداری باید برود منزل یا سرکارش، که دیده یا شنیده‌ایم که برخی هم بلافاصله می‌روند و تا شب به کاری مشغول می‌شوند

خب آن‌ها حق ندارد غذا بخورد و باید برود غذا را داغ کند و جلوی آن آقای نیروی رسمی بگذارد. این یک نمونه است، ان شاء الله هم زیاد نباشد و با روحیه‌ای که ما از فرماندهان خودمان سراغ داریم، زیاد هم نیست. اما همین نمونه با این کارها چه اتفاقی می‌افتد؟ چه تبعاتی برای ما پیدا می‌شود؟ همان سربازی که سابقه بسیج دارد بر می‌گردد و مخالف یا لاقبل نسبت به نظام سربازی منتقد می‌شود. این‌ها را باید جدی گرفت. حداقل اگر نظارت دقیقی بود، می‌توانستیم از این موارد نداشته باشیم. نمی‌دانم که مسئولان امر کار تحقیقی کرده‌اند که بچه‌های ما در طول و پس از سربازی چقدر راضی هستند، و چقدر ناراضی هستند و چرا شاید طرح‌هایی که می‌دهند طرح‌های زیبایی باشد اما وقتی به مرحله اجرا می‌رسد چیز دیگری است؛ زیرا نظارت

هم ضعیف است. برای مثال بحث آموزش تخصصی طرح خوبی است. اما چقدر اجرا می‌شود؟ چون آمار ندارم، حرفی نمی‌زنم.

**۵. همواره بعد تربیتی و آموزشی سربازی مورد توجه همگان بوده و در عرف مرسوم است که سربازی، پسر را مرد بار می‌آورد، لکن چقدر این امر صحیح بوده و توانسته است از لحاظ اخلاقی، اعتقادی و مهارتی موفق باشد؟**

اینکه سربازی مرد بار می‌آورد را ما هم شنیده ایم اما این یکی از شعارهایی است که واقعیت ندارد. بله، آموزش نظامی، یک دوره جدی برای جوانان است، هم‌چنین کار جمعی و جدی به‌ویژه اگر در مرزها یا در جبهه باشد، حتماً انسان‌ساز است. اما سربازی فعلی در گستره ایران را نمی‌دانم! حال آیا واقعاً خود سربازی موجب مرد شدن می‌شود؟ یک عده بروند کار کنند و آسیب‌های سربازی را پیدا کنند. آسیب‌های اخلاقی آن را پیدا کنند. یک عده جوان را در یک پادگان، شبانه‌روز کنار هم می‌گذاریم؛ چه اتفاقاتی می‌افتد؟ چرا کسی در این رابطه صحبت نمی‌کند؟

**۶. "سربازی اجباری مالیات پنهان دهک‌های پایین جامعه است و طبعاً دولت‌ها هم علاقه‌ای به قطع دریافتی‌های خود و زحمت اصلاح سربازی نداشته‌اند" نظر شما نسبت به این جمله چیست؟ نسبت این مسئله با عدالت چگونه است؟**

استدلال امیرکبیر برای استخدام اجباری سربازان این بود که به روستائیان می‌گفت: «عده‌ای از جوان‌های خود را به عنوان مالیات در اختیار حکومت قرار دهید»؛ یعنی اساس کار او این بود که باید طبقه ضعیف به دولت مالیات بدهد و نظام اجباری را اینگونه پایه‌گذاری کرد. عملاً بخشی از استدلال‌های سربازی فعلی هم، همین است که مردم باید دین خود را به کشور ادا کنند. به تعبیر خودشان می‌گویند: «۱۲ سال یا ۱۶ سال در کشور تحصیل کردی و کشور به شما خدمات داده است؛ حالا باید دینت را نسبت به آن خدمات ادا کنی». البته خدمات قبلاً رایگان بود اما الان معلوم نیست رایگان باشد؛ بلکه برای کسانی که مدرسه غیرانتفاعی یا دانشگاه آزاد می‌روند همین خدمات هم رایگان نیست. بر فرض اینکه خدمات رایگان باشد؛ سوال من این است که آیا وظیفه حکومت، خدمت‌رسانی به مردم بوده است یا نه؟ اگر وظیفه حکومت خدمت‌رسانی است، دولت وظیفه خودش را انجام دهد و از جوان هم توقع داشته باشد که تکلیف و وظیفه خودش را انجام دهد. دولت باید به گونه دیگری از آنها خدمت بگیرد؛ مثلاً جوان نخبه و متخصص ما بیاید در یک شرکت تخصصی در حیطه تخصص خودش کار کند که باعث پیشرفت کشور می‌شود. یا حفاظت از



مرزها - در کنار نیروهای رسمی نیروهای مسلح که انصافاً هم خیلی فداکارانه زحمت می‌کنند، اگر قرار است، سربازها هم باشند، چه مانعی دارد که حقوق و مزایای آن داده شود تا جوان ما با رغبت به وظیفه خودش عمل کند و اینگونه دین خود را به کشور ادا نماید. بنده با بکارگیری اجباری مشکل داد، بلکه اگر کار را ما هوشمند و اختیاری کنیم، جوان ما با طیب خاطر به خدمت سربازی می‌رود و آنگاه خدمت سربازی برای او فایده دارد و برای کشور هم فایده دارد و طبعاً مقدس است.

## **۷. آیا سه میلیون مشمول غایب از سربازی که حاضر به تحمل محرومیت‌های شدید اجتماعی هستند ولی تن به سربازی نمی‌دهند، نشانه ناکارآمدی و مناسب نبودن روند فعلی نیست؟**

یقیناً همین‌طور است. این آمار نگران‌کننده است. آمار دیگر این که از این که سالیانه قریب ۴۰۰ هزار نفر مشمول داریم یا به سربازی می‌روند؛ چند درصد از آن فرار می‌کنند؟ بله سه میلیون غایب یعنی محرومیت از یک‌سری حقوق اجتماعی که در قانون اساسی مصرح است که حق نداریم مردم را از آن‌ها بازداریم، مثل شغل و مسافرت و معامله و امثال آن. استدلال جوان ما چیست؟ می‌گویند: «به سربازی نمی‌رویم چون وقتمان تلف می‌شود». کسانی هم که می‌روند، برخی به اجبار والدین می‌روند یا می‌خواهند در اداره دولتی استخدام شوند لذا مجبور هستند به سربازی بروند. اگر هم بتوانند با ارتباطات و پارتی‌بازی، تلاش می‌کنند که یک‌جوری دوران سربازی را در جاهایی بگذرانند که برایشان راحت‌تر باشد. یعنی ما چه بخواهیم و چه نخواهیم یک نوع رانت و پارتی‌بازی در بحث سربازی ایجاد کرده‌ایم.

بنابراین سه میلیون رسماً نمی‌روند و بسیاری از افراد هم که می‌روند، به اجبار می‌روند؛ و عملاً تا بتوانند از زیرکار در می‌روند. خب است خاطرات سربازها را بگیرند و جمع کنند، موارد ناخوشایند و خوشایند را در بیاورند.

## **۸. با گذشت زمان، با توجه به فرصت‌ها و تهدیدهای موجود، ساختارها تغییر می‌کنند مانند خود نیروهای مسلح؛ اما چرا بعد از گذشت چندین سال از تغییرات دهه ۶۰، هنوز سربازی اصلاح نشده است؟**

سوال من این است که چقدر از این سربازها در تخصص خود بکار گمارده می‌شوند و چقدر از آن‌ها در مراکزی چون مرزها که نیاز به نیرو دارد، اعزام می‌شوند و چقدر در پادگان‌ها تلمبار می‌شوند؟ یک جاهایی قانون مربوطه اشکال دارد و باید اصلاح شود و جاهایی هم مجریان در رده‌های مختلف به سلیقه خود رفتار

می‌کنند و عملاً موجب نارضایتی می‌شوند. این تصور خوبی نیست که سرباز نیروی خدماتی ماست. اگر ملاک سربازی امیرالمومنین علیه السلام که امام می‌فرمایند، با این وضع فعلی سازگار نیست.

### **۹. نقش نخبگان و کارشناسان در اصلاح سربازی چیست؟ تا به حال چگونه بوده است؟**

به نظرم باید از دو جهت، کار جدی انجام بشود. در جهت اول باید نخبگان و کارشناسان نظامی وارد شوند. مسئولیت اصلی بحث سربازی با ستاد کل نیروهای مسلح است که الحمدلله محل نخبگان نظامی ماست. آنان باید در فکر اصلاح انقلابی باشند و با توجه به تدابیر امامین انقلاب اسلامی این فرایند را اصلاح کنند. در کنار آن نخبگان و کارشناسان در نیروهای مسلح - ارتش و سپاه و نیروی انتظامی و دانشگاه‌ها نظامی چون دانشگاه دفاع ملی و دانشگاه امام حسین و دانشگاه افسری امام علی و اساتید آن باید این بحث را پیگیری کنند. در وهله دوم نخبگان و کارشناسان سیاسی و دولتی هستند که باید بستر خدمت بهتر را فراهم کنند. عرض کردم، بحث حقوق یکی از موارد بسیار مهم است که دولت در این جهت باید وارد عمل شود و بی‌توجه نباشد. سازمان مدیریت نباید شانه خالی کند. این‌جا باید دولت یار و کمک کار ستاد کل باشد. در وهله سوم هم مجلس و نمایندگان مجلس هستند که باید با کمک ستاد کل بیایند و در اصلاح قانون اقدام کنند. البته می‌دانید که قانون باید با روش لایحه اصلاح شود، زیرا بار مالی دارد و دولت باید محل اعتبار آن را تعیین کند. بنابراین اصلاح قانون اولاً وظیفه ستاد کل است و در این جهت دولت و مجلس هم باید یاور آن‌ها باشند. در وهله چهارم نخبگان اجتماعی، فرهنگی، علمی و رسانه‌ها هستند که باید اشکالات را احصا کنند و در راه کارهای مناسب را با بحث‌های علمی و کارشناسانه به مسئولان به‌ویژه مسئولان نظامی ارائه دهند. به نظر بنده این تدابیر رهبری (حفظه الله) [که بالاتر بیان شد] باید محور همه کارهای ما باشد. اما کارهای کارشناسی باید باهم همپوشانی داشته باشند، و البته تأکید دارم که محور هم ستاد کل است که کمر بسته و متولی سربازی است و ان شاء الله تعالی عزم برای تحول و اصلاح هم است.

### **۱۰. به نظر شما جایگزین مناسب برای سربازی چیست؟ آیا سربازی حرفه‌ای جایگزین خوبی است؟**

#### **مقدمات ایجاد آن چیست؟ چه دستگاه‌ها و نهادهایی باید مقدمات آن را فراهم کنند؟**

من اسم آن را سربازی حرفه‌ای نمی‌گذارم. به نظر من سربازی اختیاری\_هوشمند بهتر است. آمار وضعیت کشورها درباره سربازی و تجربه آن‌ها موجود است. کشورهایی که الگوی سربازی خود را تغییر داده‌اند، حتماً تجربه‌شان موجود است و مسئولان هم دارند و ما هم خیلی بی‌اطلاع نیستیم و برخی هم در ایران کار تخصصی کرده‌اند که از آن‌ها هم می‌توانیم بپرسیم.

برای اینکه چه الگویی را برای سربازی انتخاب کنیم، حالات مختلفی را می‌شود تصور کرد: (۱) اصلاً سربازی نداشته باشیم. (۲) سربازی اجباری باشد، اما آن را اصلاح کنیم. (۳) سربازی اجباری باشد، اما فقط در امور امور مدنی و غیر رزمی بکارگیری شوند. (۴) فقط در زمان جنگ سربازی اجباری باشد و در زمان صلح سربازی داوطلبانه باشد. (۵) اگر در نیروی مسلح کمبود سرباز بود اجباری کنیم. خب از میان ۱۳۲ کشور جهان فقط ۱۷ کشور یعنی ۹ درصد آن‌ها سربازی اجباری دارند که ایران هم یکی از آن‌هاست. انتقادات به آن هم زیاد است و مدافع آن هم بحث‌های امنیتی را مطرح می‌کنند که ما کشوری هستیم با مرزهای طولانی و تهدیدهای فراوان را مطرح می‌کنند. خیلی خوب؛ ما هم قبول داریم. اما بنظرم این روند باید اصلاح شود. به تعبیر دیگر این استدلال منافاتی با اصلاح جدی روند ندارد. بنده می‌گویم با همین نگاه اشکالات سربازی را برطرف کنیم و کارآمدتر کنیم. اگر می‌خواهیم خدمت وظیفه عمومی به عنوان یک عبادت و یک وظیفه و تکلیف مقدس شمرده شود، اصلاح آن ضروری است. اصلاحاتی هم تاکنون انجام شده که آخری آن بحث حقوق بود، اما اصلاحات بنیادی‌تر منظور بنده است.

الگویی که پیشنهاد می‌دهم و نامش را سربازی اختیاری-هوشمند گذاشته‌ام، عرض می‌کنم. البته باید روی آن کار شود، اما به صورت اجمال این الگو اولاً شرطش این است که اختیاری است و فرد با طیب خاطر به سربازی می‌رود. ثانیاً هوشمندانه است؛ یعنی هم نیروی مسلح او را می‌خواهد و هم خود فرد با علاقه و استعداد می‌رود. معلوم است که این طرح باید پخته شود و بنده حاضرم در جهت کارشناسی و تصمیم‌سازی به مسئولان مربوطه کمک هم بکنم. می‌دانید که راهبرد و همان الگوی تحقق تصمیم‌هاست و نیاز به تصمیم‌سازی صحیح و دقیق و کارشناسانه است. وقتی تصمیم‌سازی درست و کارشناسانه نباشد، حتماً تصمیم‌ها هم نه بایسته است و نه شایسته. اما مطلب بعدی برای اجرایی‌شدن این طرح مستلزم یک عزم جمعی و تعامل مناسب فی مابین نیروهای مسلح و دولت و مجلس و نخبگان هستیم. در اجرا هم نیاز به بررسی کارشناسانه متخصصان و باتجربه است، نقاط ضعف و قوت این طرح برای اجرایی‌شدن شناسایی شود و آن‌گاه تصمیم درست گرفته شود، باید آنقدر طرح پخته شود که نوعی وفاق برای آن ایجاد شود.

راهش هم مشخص است، این طرح یا هر طرح دیگری باید از دل ستادکل نیروهای مسلح بیرون بیاید و با تفهیم و تفاهم دولت و مجلس همراه باشد و فرمانده کل قوا نیز در جریان قرار گیرد و ایشان هم برپایه مصالح نظام برای اجرایی‌شدن آن صحنه بگذارند. به این دلیل عرض می‌کنم که آمادگی همکاری با مسئولان مربوطه هستیم. اما تصور بنده آن است که برای رسیدن به جهت‌گیری‌های جمهوری اسلامی و و جبران عقب‌ماندگی‌ها در بخش سربازی در دو حوزه عدالت اجتماعی و کرامت انسانی، خب است نیروهای مسلح پیش‌قدم شود و همان‌گونه که در دفاع مقدس پیش‌قدم بودند و به مسئولان کشوری هم راه درست را آموزش بدهند.

حب این طرح به طور خلاصه چنین است. اولاً بودجه آن باید تأمین شود، زیرا پایه اول آن این است که لازم است حقوق درست، یعنی تمام حقوق و مزایای یک کسی که به سربازی اعزام می‌شود، تمام و کمال داده شود. ثانیاً گروه‌های تخصصی و تحصیل کرده فقط در رشته و تخصص خود گمارده شوند تا پس از اتمام دوره سربازی، تجربه گرانبهایی هم در کسب کرده باشند که در اشتغال به کار آنها بیاید و این کارشناسی تخصصی و فنی لازم دارد. ثالثاً جوانانی که مدرک یا تخصص ندارند، در کارهای پست گمارده نشوند، بلکه با آموزش‌های فنی، هرکس بسته به استعداد خود و نیاز نیروهای مسلح به کار گمارده شود که به اصطلاح پس از پایان دوره خدمت، مرد بار آمده باشد. رابعاً در کارهای ویژه چون حفاظت از مرزها؛ نیاز را نیروها مسلح اعلام می‌کنند، و جوانانی که به آنجا اعزام می‌شوند، مزایایی داشته باشند که بخواهند با طیب خاطر به آن مناطق اعزام شوند. بحث عدم استقبال جوانان را هم با مزایایی که در اختیار آنان قرار می‌گیرد، این گونه هم می‌توانیم جبران کنیم. اگر کسی که به سربازی می‌رود، برای مثال برای استخدام امتیاز خاصی داشته باشد که برای استخدام اولویت دارد، یا امثال این مسائل، شما ببینید که افراد با رغبت و میل خود به خدمت اعزام می‌شوند.

روشن است که کسانی که به سربازی می‌روند دو گروه کلی هستند: گروهی دارای مدرک یا تخصص بالایی هستند و آنان حتماً باید در تخصص خودشان بکار گرفته شوند و نیروهای مسلح از همان ابتداء بدانند که وی را برای چه کاری می‌خواهند، حالا در درون نیروهای مسلح باشد یا به صورت‌های دیگر چون امریه به سازمان‌ها و نهادهای دولتی داده شوند. بویژه این مسأله درباره فارغ التحصیلان علوم انسانی از اهمیت بیشتری برخوردار است. آنان می‌توانند برای نیروهای مسلح انباشت علمی ایجاد کنند و خود آنها نیز از این دوره فایده می‌برد و علم او عینیت پیدا می‌کند. و چون کار آنها بیگاری نیست، هم حقوق کافی دارند و هم موجب پیشرفت وی است، او انگیزه پیدا می‌کند، برای خدمت و نیروهای مسلح هم - چون حقوق می‌دهند و نظارت هم دقیق است - انگیزه دارند که وی را در کار تخصصی خود استفاه کنند نه این که نیروی وی هرز برود و حس کند که عمرش تلف شده است.

گروه دوم کسانی هستند که دیپلم یا زیر دیپلم هستند و یا تخصصی ندارند. درمورد این افراد هم باید کرامت انسانی حفظ شود. هوشمندبودن در اینجا یعنی این که خود را موظف بدهیم که به وی در این مدت کار تخصصی که برای آینده‌اش مفید است، آموزش داده شود. برای مثال فردی که به پادگان اعزام می‌شود و تخصصی هم ندارد. تازه ۱۸ سالش شده است، در دو سالی که در پادگان است، زیرنظر استاد، مکانیکی یاد بگیرد، وقتی از آنجا برود یک استاد مکانیک یا شاگرد مکانیک کارآمد می‌شود یا کارهای دیگر چون بنایی، سلمانی، نانوائی یا کارهای تخصصی دیگر که زیاد هم هستند. در نهایت هم نیروی مسلح پس از پایان خدمت به او گواهینامه بدهد و تخصص وی را تأیید کند و همین گواهینامه هم برای استخدام وی تأثیر و

امتیاز داشته باشد. هم‌چنین کسانی که به مرزها اعزام می‌شوند، یا در کارهای خاص گمارده می‌شوند، فرض بفرمایید، پلیس راه و امثال آن. مزایایی در نظر گرفته شود.

لذا به نظر من سربازی اختیاری\_هوشمند جایگزین مناسبی است؛ چون هم برای افرادی که تخصص دارند مفید است و هم می‌تواند برای افرادی که تخصص ندارند کاملاً مورد بهره‌برداری قرار بگیرد. در اینصورت هم جوانان انگیزه دارند وارد سربازی بشوند؛ چون برای حال و آینده خودشان خوب است و نیروی مسلح نیز انگیزه دارد که استفاده بهینه بکند. در این صورت است که علی‌رغم این که سربازی اختیاری است، اما وظیفه میهنی و عبادت محسوب می‌شوند و در هر دوره هم بررسی و مقایسه کنیم که با این نظام جدید سربازی، هزینه و فایده آن نسبت به روش فعلی چگونه خواهد بود. بنده فکر می‌کنم که میزان غایبان کم‌تر خواهد شد. و استقبال افراد و خانواده‌ها بیشتر می‌شود.

مطلبی را خواندم که خیلی جالب بود. سازمان ملّی حسابرسی آمریکا در سال ۱۹۹۸ تحقیقاتی انجام داده است که در آن هزینه‌های سربازی اجباری در برابر هزینه‌های سربازی حرفه‌ای را مقایسه کرده است. در این گزارش بیان شده است که هزینه سربازی حرفه‌ای در آمریکا کمتر از هزینه سربازی اجباری رایگان است؛ چرا که سربازان اجباری، به صورت کوتاه‌مدت در اختیار ارتش هستند و ارتش هزینه هنگفت آموزش را می‌پردازد و به دلیل رایگان بودن آن، استفاده بهینه صورت نمی‌گیرد؛ اما هزینه سربازی حرفه‌ای معادل یک پنجم تا یک ششم هزینه سربازی اجباری است. پس از نظر اقتصادی که نگاه کنیم به نفع نیروهای مسلح است.

پس وقتی سربازی اختیاری - هوشمند شود، هم سرباز که به خدمت اعزام شده است، انگیزه دارد، یک سرباز ساده را در نظر بگیرید، فرض کنیم که آموزش رانندگی دیده و خودرویی را در اختیار او قرار داده‌اند، او با جان و دل از این خودرو نگهداری و مراقبت می‌کند اما وقتی اجباری است، هیچ اهمیتی برایش ندارد. آن فرمانده و افسر و درجه‌دار محترم هم تلاش می‌کند که در این مدت بهترین و دقیق‌ترین استفاده را از نیروی وظیفه بگیرید. پس نیروهای مسلح باید به قول سهراب سپهری چشمانشان را بشورند و جور دیگری نگاه کنند. یکی از مشکلات این است که بعضی از دوستان خیلی سفت و غیرمنعطف هستند و می‌گویند این هست و جز این نیست، هر کس هم که حرف می‌زند، نه از امنیت چیزی می‌فهمد و نه نیت خوبی دارد و هدفش هم نادرست است و موجب ناامیدی می‌شود! اما ما می‌گوییم می‌شود جور دیگری به قضایا نگاه کرد.

**۱۱. ضمن اینکه سربازی مقدّس شمرده می‌شود تا به حال شاهد برخورد نامناسب و متخلّفانه**

**فرمانده، قاضی و نماینده مجلس با سرباز بوده‌ایم اما شاهد مؤاخذه جدّی متخلّف قانون و متجاوز**

**به حقوق سربازان نبوده‌ایم؛ چرا باید چنین اشخاصی که خود مدافع سربازی و قانون هستند اینچنین رفتاری را انجام دهند؟ به نظر شما این عمل از چه چیزی می‌شود؟**

اولاً اینکه سربازی مقدّس است، باید در آن دقت شود، بلکه خدمت در نیروهای مسلح مقدّس است، چه رسمی باشند و کادر یا وظیفه. اما به مقتضیات آن باید توجه شود، وگرنه چه مقدّسی است؟ و این واژه شعاری بیش نخواهد بسیج مقدّس است؛ چون بسیجی به صورت داوطلبانه مدافع حرم می‌شود یا در دفاع مقدّس حضور پیدا می‌کند یا در کارهای مختلف علمی، فرهنگی و ... حضور دارد؛ اما سربازی با روش فعلی را نمی‌توانیم مقدّس بدانیم و باید نظام آن را تغییر بدهیم.

اما این نوع برخوردها که گفتیم که قاضی یا نماینده مجلس یا کسان دیگر انجام می‌دهند اشی از یک نگاه حاکم - رعیتی است که فرهنگ مذمومی است که حتماً باید با آن برخورد جدی بشود و متولی اصلی آن هم خود نیروهای مسلح هستند. این تصوّر که سرباز یا کسی که زیردست ماست، یا کسی که زور ندارد، می‌توانیم زور بگویند. هرکس باشد، قاضی یا نماینده مجلس یا فرد دیگری ناشی از همین فرهنگ غلط است. این رفتارها چه آن‌ها که رسانه‌ای می‌شود و چه آن‌هایی که پخش نمی‌شود، باید با جدیت مورد مواخذه و برخورد قرار گیرد. البته فقط سرباز هم نیست. نسبت به زیردستان یا مراجعه‌کنندگان که ضعیف هستند و زور ندارند، باید اصلاح شود. و با متخلفان برخورد شود و این برخورد هم رسانه‌ای گردد.

**۱۲. آیا خدمت وظیفه توانسته است جایگاه خود را به عنوان حلقه وصل، در بین نظام مقدّماتی و متوسطه و آموزش عالی پیدا کند؟ آیا توانسته است در جهت تربیت انسان تراز انقلاب اسلامی، ارتباط و هماهنگی لازم را با آموزش و پرورش و نهادهای مربوطه برقرار کند؟**

پاسخ مثبت نیست. دلیلش این است که سه میلیون فراری داریم و هر سال هم درصد قابل توجهی از اعزام به سربازی سرباز می‌زنند و تا سال‌ها در ارائه خدمات به آن‌ها مشکل است. واقعیت قضیه این است، این خواست حضرت امام بود و خواست حضرت آقا هم است، اما ما در آن موفق نبوده‌ایم. دلیل اصلی آن هم به یک مسأله ریشه‌ای باز می‌گردد که قبلاً عرض کردم که فرهنگ آن باید اصلاح شود.

**۱۳. برخی افراد در مقابل انتقادات به روند سربازی فعلی می‌گویند: «سربازی اجباری، برای تأمین مرزها لازم و ضروری است». چرا این کار با نیروهای داوطلب و بسیجی‌وار انجام نشود؟**

راهش را عرض کردم. نیروهایی که به اجبار به کاری گمارده شوند، چقدر انگیزه دارند؟ برای چنین کاری نیاز به نیروهای با انگیزه داریم.

عرض می‌کنم، نباید در پاسخ به نقدها لجبازی کرد و نقادان را سوءاستفاده‌چی و بدون تخصص تصور کرد. بلکه خوب است نقدها با دید باز دیده شوند. دفاع از سربازان خوب است اما دفاع باید عملی و جدی باشد؛ یکی از آنها رفع موانع است که با سربازی اختیاری\_هوشمند ممکن است. معنای آن سربازی دلبخواهی نیست، بلکه گذر از نگاه نادرست شیءبودگی به سربازان است. متأسفانه این نگاه، نگاهی غربی است که برخی هم بدون توجه در ایران، به آن دامن می‌زنند.

### ۱۴. در پایان اگر نکته‌ای پیرامون سربازی اجباری دارید بیان بفرمایید؟

برادران و دوستان نظامی ما که دارند در این جریان برنامه‌ریزی می‌کنند، و در حلقه نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در این حوزه مشغول خدمت هستند، باید فضای فکری خود را هم‌افق به رهنمودهای حضرت امام و حضرت آقا، سربازی را به سمتی سوق بدهند که هم نیازهای واقعی نیروهای مسلح برطرف شود و هم جوانان ما راضی باشند و هم کشور بیشترین بهره را از نیروی جوان خود ببرد. بنظر بنده، وقتی به بیانات حضرت آقا را با توجه به نظام فکری ایشان مطالعه می‌کنیم، اصلاً از حرف‌های ایشان سربازی اجباری فهمیده نمی‌شود؛ بلکه ایشان اصرار به اصلاح دارند. اصلاحات جزئی که تا به حال انجام داده‌اید، جواب نداده است؛ آموزش تخصصی گذاشته‌اند؛ چه و چه گذاشته‌اند؛ همگی هم خوب بوده‌اند، اما اینها جواب نداده است. سوال کنیم که چه بکنیم؟

باید اصلاح انقلابی متمرکز شوند و سربازی را از این حالت معیوب خارج کنند. تا سربازی بشود عبادت و وظیفه الهی و فرصتی برای باروری جوان ما، نه اجباری! در این صورت سربازی امر مقدسی است و مایه اطمینان و امنیت جامعه و موجب ارتقای اعتماد جوانان به نظام و ارتقای روحیه دینی در میان آنان است.

بنده می‌گویم: سربازی را اختیاری\_هوشمند؛ برخی می‌گویند: سربازی حرفه‌ای. البته بنده معنای حرفه‌ای را خیلی نمی‌فهمم. سربازی باید هوشمند شود تا جوان ما برای سربازی انگیزه داشته باشد و از آن طرف نیروهای مسلح هم برای استفاده درست از این نیرو انگیزه داشته باشد. کسی هم که نخواست سرباز بشود، اجباری نباشد، اما خودش حس کند که برود، برای آینده‌اش بهتر است.

الان هرکس نمی‌رود، فراری محسوب می‌شود، فراری یعنی مجرم! یا عنوان دیگری شما بر روی آن می‌گذارید! از بخشی حقوق اجتماعی خود محروم است، موانعی قانونی سر راه پیشرفت او گذاشته می‌شود،

باز ۳ میلیون فراری داریم هر سال هم به این تعداد اضافه می‌شود. معلوم است که این با اصل و رکن کرامت انسانی هم‌خوانی ندارد و در این جهت عقب‌گرد داریم.

به همین دلیل برداشت بنده این است که حتماً باید یک اصلاح جدّی، یک جراحی جدّی انجام شود. حتماً باید ستاد کلّ نیروهای مسلّح به کمک دولت و مجلس، اساتید و کارشناسان یک اصلاح جدّی انجام بدهد. افراد زیادی هم هستند که آمادهٔ کمک فکری هستند، بنده هم به عنوان یک طلبه حاضرم کمک فکری بکنم؛ اما کمر بستهٔ کار ستاد کلّ نیروهای مسلّح است و آنان باید بیایند وسط میدان و بقیه را هم با خودشان همراه کنند.

اگر این کار انجام شود از نظر اقتصادی، امنیتی، اجتماعی و فرهنگی به نفع ما خواهد بود. اشتغال، ازدواج و فرزندآوری و تحصیل و انگیزه و امید به آینده نیز تسهیل می‌شود.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته